

(پیشنهاد آقای امامی بمضمون

ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهار تجزیه و بدو قسمت علیحدگی گرفته شود

مسئو فن دمهاگن متعهد است که دائماً در ضمن اجراء وظایف خود قوانین مملکت ایران را رعایت نماید و اختیارات وزیراعلی ایران را محترم بشمارد

رئیس - رأی گرفته می شود بقسمت اول ماده چهار از اول ماده تا اختیارات آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی گرفته می شود بقسمت دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . رأی گرفته می شود بجمع ماده چهارم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . اگر تصویب می فرمائید بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

(خبر کمیسیون عرایض راجع بفرخصی آقای کی استوان بشرح زیر قرائت شد)

آقای کی استوان نماینده محترم بندر بهلوی به ملاحظه دعوتی که تلگرافاً آنجنم بلدی بملاحظه تشریف فرمائی آقای رئیس الوزرا از ایشان نموده و وجود ایشان را در این موقع لازم دانسته تقاضای یک ماه مرخصی کرده بودند کمیسیون تصویب می نماید که از بیستم تیرماه تا یک ماه غائب با اجازه محسوب شوند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - و کیلی که از طرف ملت انتخاب می شود برای انجام وظایفی است که محل و مرکز اینجاست و برای تهیه ترتیبات آنجنم بلدی و تشریفات و این جور موارد که حقیقتاً از وظایف اهالی محل است گمان میکنم انتخاب نشده باشد و چون بنده آقای کی استوان را یکی از بهترین مردمی میدانم که وظیفه خودشان را خوب می شناسند از این جهت نمی دانم چطور توانسته اند زیر بار این تکلیف بروند و قبول کرده اند که ترك وظیفه کنند و بروند در آنجا و یک چیزی که تکلیف ایشان نیست انجام بدهند و بنابراین بنده خورم از طرف آقای کی استوان این تقاضا را رد میکنم

رئیس - آقای رهنما ( اجازه )

رئیس - آقای رهنما ( اجازه )

رئیس - آقای رهنما ( اجازه )

رهنما - آقای کی استوان اجازه گرفته اند یک ماه به بندر بهلوی بروند و آقای کازرونی از نقطه نظر ادای وظیفه

مخالفت میکند

خیلی خوب بود این ادای وظیفه در خیلی از مواقع بعمل می آمد و در خیلی از جاها مراعات می شد که در آنجاها نمیشود آنجنم بلدی آنجا تلگراف کرده است و از ایشان خواسته اند که بروند به حوزه انتخابیه خودشان سر بزیند تمام اجازه هائی که در اینجا گرفته می شود نباید فراموش بشود که قسمت عمده اش شبیه به همین اجازه است و برای یک کار فوری خرابی و در بدری نیست و بالاخره حالا که آقای کی استوان خواسته اند حرف خودشان را صاف و ساده بزنند و نخواسته اند پنهان کنند و یک بهانه های دیگری بیاورند و یک صورت دیگری باین کار بدهند آنچه که داشته اند گفته اند که برای تشریف بردن آقای رئیس الوزرا است .

در صورتی که ممکن بود بگویند من ناخوش هستم و این هم تصدیق آقای دکتر حال در اینجا وطن پرستی ما بجنش آمده است و مخالفت میکنم

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مرخصی یک ماهه کی استوان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر (بشرح زیر قرائت شد)

آقای مساوات نماینده محترم بواسطه عارضه کسالت از تاریخ بیست و یکم خرداد تا یک هفته از مجلس شورای ملی اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون عذرایشان را موجه دانسته تصویب می نماید

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )

دست غیب - در مجلس نباید این سوابق گذاشته شود که مرخصی از کمیسیون عرایض اجازه بگیرد یکی اگر مرخصی بستی نبود که می توانست بیاید باید کمیسیون عرایض اجازه مرخصی بدهد ولی این سابقه گذاشته شود بنده مخالف هستم و بنده مخالف هستم که به آقای مساوات اجازه مرخصی بدهند که غایب با اجازه ثبت شود

زیرا قهر ایشان غائب با اجازه هستند و محتاج برای مجلس نیست مثل این است که مجلس تصدیق کند مرخصی است بنا بر این بنده معتقد نیستم که این سابقه در مجلس گذاشته شود

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مرخصی یک هفته آقای مساوات را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . عریضه ایست که از طرف کارگران مطابع بمجلس رسیده بود مراجعه شده بود بکمیسیون و کمیسیون عرایض هم راپرت داده است بدو این عریضه وبعد خبر کمیسیون قرائت می شود (بشرح آتی قرائت شد)

خاطر مبارك مستحضر است که تاکنون در مملکت ایران هیچ مؤسسه و کارخانه نبوده که يك عمده کارگر ایرانی بتواند در آن مؤسسه ها بواسطه زحمت و مشقت امرار معاش نمایند .

از سی چهل سال قبل که رفته رفته آثار تمدن در این مملکت پیدا شد بمرور چند مطبعه از طرف ملت در طهران ایجاد گردید که حالیه توانسته اند يك عمده چند هزار نفری کارگر و عائله آنها را اعاشه بدهند کارگران هم با مشقتی که در کار حروف چینی در مطابع بر آنها وارد میشود تحمل نموده اغلب جان خود را از کف داده در شباب جوانی بواسطه سختی کار بدو روزند گانی گفته یا اینکه بامراض ریوی و نایبنائی مبتلا شدند .

معهدا باز این بار سنگین را بدوش کشیده زیر بار سثوال و کل بر افراد ملت شدن را بر خود هموار نکردند .

حالیه که نمایندگان محترم مجلس بودجه سنگینی برای مطبعه مجلس تصویب نموده اند صاحبان مطابع هم چون می بینند دیگر نمی توانند مطابع خود را نگاهدارند مطابق نظامنامه که کارگران دارند بما اخطار کرده اند تا یا نوزده روز دیگر بیشتر بشما حقوق داده نمی شود این پیش آمد مانند يك صاعقه آسمانی و بالای ناگهانی خرم هستی چند هزار نفر کارگر و بستگان آنها را سوخت حبران و متعجب مانده ایم که پس از زحمت يك عمر در آموختن این صنعت یا کم کاری که در این مملکت حکم فرما است چه باید بکنیم

روی تکدی و سؤال هم نداریم . این است از جناب اشرف استرحام می طلبیم که توجه عاجلی بحال اسف اشتمال ما کارگرا فرموده راضی نشوند که چند هزار نفر بی نان و خانمان شده و بر عمده متکدیان این مملکت افزوده گردد در صورتی که از این راه هم نفعی به خزانه مملکت عاید نخواهد گردید

زیرا کلیه مطبوعات دولتی موافق قبمتی که امروزه متداول مطابع است در سال چهل هزار تومان نمی شود که برای مطبعه مجلس اعتبار داده شده است علاوه که صرفه حاصل نخواهد شد چند هزار نفر بی نان شده و بر عمده متکدیان این مملکت بی کار و ملت بی نان افزوده خواهد گردید .

این است از آن مقام منیع استدعای بذل توجه عاجلی در آسایش حال این عمده کارگران و عائله آنها داریم که از طرف نمایندگان محترم تصمیم امیدبخشی اتخاذ گردد که اسباب آسایش حال ما را فراهم سازند امر مبارک است . ۱۲ خرداد ۱۳۰۴

(خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد)

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

خبر کمیسیون عرایض بشرح زیر قرائت شد

در موضوع اظهارات و تشکیلات آقایان در باب مطابع که بالاخره در کمیسیون عرایض نمایندگان از باب مطابع و مباشرت محترم مجلس شورای ملی برای دادن توضیحات حاضر شده و مذاکرات مفصل بعمل آمد

کمیسیون پس از مذاقه و مطالعه در اطراف قضیه تصمیم گرفت که موضوع و حل مسئله را بنظریات مجلس شورای ملی موکول و محول دارد و معتقد است که برای تبدیل عمل و ختم ماده اختلاف بگانه طریقی که بتواند موضوع را حسن خاتمه دهد این است که از طرف مجلس شورای ملی امر به تشکیل کمیسیون خاصی گردد که اعمال نظر نموده و نتیجه را بعرض مجلس برساند

رئیس - چون آقایان قبلاً مسوق نبودند که این موضوع مطرح می شود اگر اجازه می فرمائید بماند برای روز سه شنبه

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی

م. شهاب دکتراحتشام طباطبائی منشی

صورت مشروح مجلس سه شنبه دوم تیرماه سنه ۱۳۰۴

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای حسین خان پیرنیا تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه سی و یکم خرداد را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای شوشتری ( اجازه )

شوشتری - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دامغانی ( اجازه )

دامغانی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای مصداق السلطنه ( اجازه )

مصداق السلطنه - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی ( اجازه )

کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای سلطانی ( اجازه )

سلطانی - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زاده ( اجازه )

شریعت زاده - عرضم قبل از دستور است

**رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟**

**بعضی از نمایندگان - خیر**

**رئیس - آقای شوشتری (اجازه)**

**شوشتری -** عرایض بنده تقریباً اعتراضی است بوضع وطرز تشکیلات عدلیه. اعتراض وزیر فعلی عدلیه نیست. البته تصدیق می فرمایید که برای پیشرفت امور و مملکت، وقوف مهمتر و در درجه اول واقع است.

**اول تا مین طریق و شوارع بعد تا مین مالی و قضائی.**

**طرز تشکیلات عدلیه و اشخاصی که در عدلیه هستند و جریان معاکمات عدلیه حقیقتاً طوری است که نمیتوان گفت اعتراض معتز ضمیمه وارد است.**

مثلاً در عدلیه يك دعوائی اقامه میشود مدعی که عرض حال داد مدعی علیه می آید و مدتی وقت صرف می شود برای تشخیص صلاحیت محکمه. مدتی را هم بصلاحت و عدم صلاحیت قضایی. مدتی را بصلاحت و عدم صلاحیت طرفین و پس از این که این مدتها گذشت يك قرار صادر میشود و این قرار سه مرتبه میباید. بدوی استثنائی. تمیز اگر صلاحیت محکمه معلوم شد.

سه مرتبه میباید که در هر يك از این مراحل ممکن است مدعی و مدعی علیه بیچاره شش ماه يك سال وقتشان تلف شود.

**رئیس - آقا اعتراضاتتان بقوانین موجوده است.**

**شوشتری -** خیر. نسبت بقوانین موجوده اعتراض ندارم. آنچه که از قوانین مصوبه مجلس در دست عدلیه است تقریباً می توان گفت تا بیک درجه امید بخش است ولی از دوره چهارم و قبل از دوره چهارم و ز راه وقت يك ابلاغاتی صادر کرده اند که بهیچوجه من الوجوه بتصویب مجلس نرسید است و خود این ترتیب مصوب شده است که برای تا مین حقون مردم مجلس پنجم اقدام کرده است.

بيك کارهای اساسی که هموم مردم علی الاطلاق نسبت بآن خوشبین شده اند و حقیقتاً هم باید خوشبین باشند.

بنده که این عرایض را میکنم و هیئتطور امثال بنده که در توی مجلس هستند برای اینست که ما بیشتر توی مردم هستیم و مردم بیشتر توجه دارند تا بيك اشغالی که توی آنهاست.

حالا این خوشبختی است یا بدبختی بآن کار ندارم. مثلاً قانون ثبت اسناد امروز در دست مردم است در صورتیکه هنوز بمجلس شورای ملی نیامده است.

**جمعی از نمایندگان -** (بطور

همه) اینطور نیست از تصویب مجلس گذشته است.

**شوشتری -** اشکال ندارد اشتباه شده است.

عرض میکنم جریان عدلیه طوری است که حقیقتاً اگر مجلس شورای ملی امروز يك فکری برای فرد نمیکند مثلاً کاپیتولاسیون برای چیست؟

(همه نمایندگان) صدای زنگ رئیس (دعوت بسکوت)

**شوشتری -** نیکنگارنده. اصلاحات اساسی را نباید گفت؟

**رئیس -** اعتراضات ایشان مبنی بر عدم اطلاع از قوانین است آقای دامغانی (اجازه)

**دامغانی -** مقدمه ای بطور مختصر عرض میکنم که بنده حمله بدلیه را مقتضی نمیدانم.

**جمعی از نمایندگان -** صحیح است.

**دامغانی -** زیرا ما مدعی هستیم که دارای قوه قضائی کاملی می باشیم دیگران باید در عدلیه ما معاکم کنند (صحیح است) و غیر از این حق ندارند زیرا قوانین ماکمل می باشد و اگر هم نواقص دارد در کمیسیون ع لیه عنقریب تکمیل خواهد شد و باستی همه هم مطیع قانون باشند و بیش از این هم در این موضوع داخل نمی شوم. البته اگر هم يك نواقصی در قضات باشد عنقریب اصلاح خواهد شد.

عرض بنده فعلاً راجع باین است که مالیات قندو شکر که تصویب شد چون يك قدری عبارت مواد قاصر بود با اینکه در وزارت مایه سه و تفسیر شد است يك مشکلاتی برای تجارت تولید شده است. چون در آن موقع این فروش بیش بینی نشده بود حالا طرف ابتلاء تجار شده است و شاید موجب بکضرر فوق العاده برای تجار بشود و این ضرر شاید منجر بشود باینکه يك عده از تجار بالاخره ورشکست شوند و البته باید آن مواد را تفسیر کرد.

سؤال هائی هم تجار از هیئت معترم رئیس در این ۳ موضوع که حالا عرض میکنم کرده اند.

اینجا تصویب شد قندی است که در بیست و دوم اردی بهشت وارد شده است که مشمول قانونست و باید مالیات را بپردازد.

اولاً يك قسم قندی است که در بیست و دوم اردی بهشت وارد شده است و تا تصویب این قانون بيكلی تقسیم شده و فروش رفته و بایع و مشتری هم پیدا نیستند حالا آن تاجری که فرضاً صد خر و ارغند وارد کرده و بیشتری های خود فروخته است مال- و نتجارجارش مشمول این قانونست آیا مالیات را کی باید بدهد؟ آن تاجری که وارد کرده است باید تمام مالیات را بپردازد؟ اگر اینطور باشد که يك ضرر فوق العاده

و فاحشی متوجه او خواهد شد که جبران ناپذیر است و آن تاجر نمی تواند از سقط فروش مشتری های خودش آن رایس بگیرد و این ضرر غیر قابل تحمل است.

قسمت دومش قندی است که قبل از بیست و دوم اردی بهشت وارد شده و در گمرک بوده است و رسیدگی در دست صاحب مال میباشد و در گمرک بوده است تا قانون تصویب شده آیا آن قندهم مشمول قانون خواهد بود یا نه؟

در قانون اینطور تصویب شده قندهائی که قبل از بیست و دوم اردی بهشت وارد شده است از تأدییه مالیات معاف است و قندی که در بیست و دوم اردی بهشت وارد شده است و بعد از آن وارد شده مشمول قانون است.

حالا این قند قبل از بیست و دوم اردی بهشت وارد گمرک شده است ولی تا بعد از آن مالیات این قند ها را باید بپردازند و خیر آنها هم معاف هستند و این قسمت يك اشکال و گفتگوهائی بین تجار وزارت مالیه فراهم کرده است و بالاخره گمان نمی کنم تا اکنون هم حل شده باشد و باید مجلس تصمیمی اتخاذ کند که این قضیه حل شود.

قسمت سوم قندی است که قبل از ۲۲ اردی بهشت تاجر بطور سلف فروخته و بعد از تصویب قانون وارد کرده است و بیشتری که قبلاً فروخته است تجویز کرده حالا این مالیات را که باید بدهد؟ آن تاجری که بطور سلف فروخته یا مشتری؟ اگر تاجری که بطور سلف فروخته بنا شود بدهد دیگر نمی تواند از آن مشتری بگیرد و البته این يك ضروری است جبران ناپذیر. و اگر هم بنا باشد مشتری بدهد چطور قندی را که بطور سلف خریده است بیاید این خسارت را بدهد؟

این هم باید تفسیر شد که معلوم شود از کی باید گرفت.

فرض این است که اینها يك اشکالاتی است که بین وزارت مالیه و تجار پیش آمده و علتش هم سوء تفسیر قانون است و بعقیده بنده این اشکالات را وزارت مالیه باید با يك رویه مسالمت آمیزی که در ابتدای وضع هر قانونی لازم است و باید با مردم از قاف و مساعدت کرد حل نماید. و باید طوری بشود که در موقع عمل این قانون زحمت و خسارت برای مردم تولید نکند و بالاخره مجلس باستی يك تصمیمی در این باب بگیرد.

**جمعی از نمایندگان -** دستور

**رئیس -** پیشنهادی راجع بدستور رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای زهیم پیشنهاد میکنم راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی

ماده ۵ - مسیوفن دما کن مبلغ بانصد تومان در هر ماهی مواجب اخذ نمود و مبلغ مزبور در اول هر ماهی بمشارالیه تأدییه خواهد شد در صورتی که مسیوفن دما کن با اجازه از طهران غیبت نماید حقوق مشارالیه در موعود مقرر بوسیله مشارالیه تأدییه خواهد شد.

**رئیس -** آقای دکتر آقايان (اجازه)

**دکتر آقايان -** بنده يك ایراد مختصری باین ماده دارم. اینجا نوشته شده است مواجب ایشان در اول هر ماهی با ایشان پرداخت خواهد شد.

این برخلاف اصلی است که راجع بتأدییه حقوق در این مملکت هست. هیچ دلیلی که حقوق مستخدمین را در اول ماه بدهیم نیست.

ما مستخدمین خارجی خیلی داریم همانطور که بسیاری پرداخته میشود باین متخصص ما باید پرداخته شود.

مخبر - اگر بحقوق این شخص ملاحظه فرمائید تصدیق میفرمائید که با حقوق سایر مستخدمین خارجی تفاوت دارد و در هر حال دادن حقوق یا وسط یا آخر فرق نمی کند زیرا اوستحق اخذ حقوق ۳ ساله است که کثرات شده و فرق نمیکند که ما اول یا آخر ماه باو حقوق بدهیم.

**رئیس -** آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی -** موافقم

**رئیس -** آقای رضوی (اجازه)

**رضوی -** بنده اینجا دو اعتراض دارم یکی اینکه آقایان هم تصدیق میفرمائید که مستخدم آلمانی می آوریم برای اینکه ارزان باشد و باین ترتیب اگر در آتی ما بخواهیم متخصص از آلمان بیآوریم چون اینجا پایه را بالا برده اند کران تمام می شود.

آقای ارباب هم متخصص از آلمان آورده اند ما ماهی صد تومان. اینجا هم می شود این متخصص را باناهی دوست و دوست و پنجاه تومان کثرات کرد و اگر باین شخص ماهی بانصد تومان بدهیم اگر متخصص دیگر بخواهیم می گویند چون آن یکی بانصد تومان گرفته باید ما هم ماهی بانصد تومان بدهیم.

يك اعتراض دیگر هم همان است که آقای دکتر آقايان گفتند ما چرا باید کار نکرده حقوق بدهیم؟ بلکه حقوقش را که گرفت فردایش نخواست کار کند. اگر در یکجا سابقه دارد چه در مستخدمین داخله و چه در مستخدمین خارجه که حقوق را در

اول ماه یعنی قبل از خدمت بدهند بنده هم حرفی ندارم.

**رئیس -** آقای نظامی (اجازه)

**آقای نظامی -** در قسمت اول که آقای رضوی فرمودند ممکن است باناهی دوست و دوست و پنجاه تومان یک نفر متخصص از آلمان آورد.

اگر از روی انصاف نگاه کنیم يك نفری که حقیقتاً متخصص باشد با کثرات از این حقوق که اینجا نوشته شده است نخواهد آمد.

اما در قسمت دوم که فرمودند چرا اول ماه باید حقوق این شخص را داد. گمان نمی کنم هیچ فرقی برای دولت داشته باشد زیرا دولت صرفی که بخواهد بکند که اگر اول ماه بدهد یا آخر ماه فرق داشته باشد پس گمان نمی کنم فرمایش آقای موردد داشته باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**رئیس -** پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب قرائت میشود.

(بشرح آتی خوانده شد)

اصلاح عبارتی ماده پنجم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده پنجم - حقوق ماهیانه مسیوفن دم - هاکن بانصد تومان است که در اول هر ماه بمشارالیه تأدییه خواهد شد تا آخر.

مخبر - صحیح است اصلاح عبارتی است می پذیریم ولی آن قسمت آخر هم باید باشد.

آقای میرزا شهاب بلی این اصلاح راجع بقسمت اول است.

**رئیس -** رأی می گیریم. آقایانی که ماده پنجم را با این اصلاح تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اغلب برخاستند)

**رئیس -** تصویب شد. ماده شش قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

ماده ۶ - در موقع مسافرت های شغلی مسیوفن دما کن در ایران علاوه بر حقوقی که در ماده ۵ معین شده است روزی مبلغ ۲ تومان مخارج مسافرت بمشارالیه داده خواهد شد بملاوه کرده بته وادوات کار از طرف وزارت فوائد عامه تأدییه خواهد شد و همچنین پس از ورود مسیوفن دما کن بطهران يك اسب سواری باهلیق آن بهر ج دولت بمشارالیه داده خواهد شد و اسب مزبور در مدت خدمت مسیوفن دما کن در ایران در اختیار مشارالیه خواهد بود.

مخبر - کلمه دو تومان اشتباه شده است ۳ تومان است.

وزیر فوائد عامه بلی دو تومان اشتباه است ۳ تومان باید باشد.

**رئیس -** آقای دکتر آقايان (اجازه)

**دکتر آقايان -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی -** موافقم

**رئیس -** آقای شریعت زاده (اجازه)

**شریعت زاده -** اقم

**رئیس -** آقای آقا سید بقوب (اجازه)

**آقا سید بقوب -** بنده در این مسئله که آقای وزیر مخبر یکدفعه گفتند دو تومان نیست سه تومان است تعجب کردم سه مرتبه که این مسئله در کمیسیون فوائد عامه مطرح بود همان دو تومان بود که بعد يك مرتبه سه تومان شد.

بنده از آقای وزیر سؤال کردم علت اینکه سه تومان شده بود. فرمودند چون در نظامنامه برای مسافرت سه تومان است اینجهام نباید از حدود نظامنامه خارج نشود.

در صورتیکه خود این شخص دو تومان را قبول کرده است. چه علت دارد که بگوئیم چون در نظامنامه سه تومان است باین شخص هم روزی سه تومان بدهیم؟ ممکن است اصلاً نظامنامه را دو تومان بکنند. ما در موقع يك گیر و دار هم رأی میدهم ولی در يك موقع هم ولو يك تومان یا پنج قران باشد باید ملاحظه کرد. يك قران را هم در موقعش رنی نمیدهم. صورت جلسه حاضر است.

مخصوصاً در جواب بنده آقای وزیر فرمودند چون در نظامنامه سه تومان است باید باین شخص هم سه تومان داده شود این شخص خودش دو تومان را قبول کرده است چه علت دارد که باو سه تومان بدهیم همه می دانیم بواسطه اینکه پایه خرج را بالا گرفته ادارات ما خرابست بقدری نظر آقایان وزرا عما نظر حائمی و بزگرگی است که نمی شود جلوش را گرفت این است که بنده بامه تومان مخالفم

وزیر فوائد عامه - با در نظر گرفتن سایر کثراتها که بمجلس آمده بنده تصور نمی کردم نسبت حاتم بخشی در این کثرات داده شود همانطور که در آن موقع هم عرض کرده ام (محتاج بصورت مجلس هم نیست) حالا هم خودم تکرار می کنم مطابق نظامنامه که برای ما مأمورین درجه هشتم و نهم وزارت فوائد عامه هست در موقع مسافرت روزی سه تومان فوق العاده بآنها داده می شود و این نظامنامه است بدون و در دست عمل و در آن موقعی که دو تومان نوشته شده بود اشتباه بوده است و باید با این شخص هم لااقل مطابق نظامنامه مستخدمین درجه هشتم رفتار شود این اشتباه شده بود در کمیسیون بودجه هم اصلاح شد بملاوه عقیده

ام این است که اگر بيك نفر متخصص روزی سه تومان فوق العاده بدهند حاتم بخشی نشده است.

**رئیس آقای دست غیب (اجازه)**

دست غیب ما اینجهام متخصص جنگل انتخاب کرده ایم نه متخصص متوقف در طهران این يك موضوع حالا میگوئیم خیر باید يك قدری مساعدت و همراهی کرد و در موقعی که این شخص با آنجائی که برای آنجا آمده است میرود خرج سفری هم با داده شود و علاوه بر اینکه در طهران هم که میخواهد عبور کند يك است هم باومی دهند وقتی هم که می خواهد سفر بکند لوازم سفرش را هم میدهند فوق العاده هم با داده شود این راهم قبول کردیم دیگر اینکه بجای دو مان سه تومان بدهیم برای چیست؟

ما مستخدم برای جنگل آورده ایم برای این که برود در جنگل نه متخصص دقتی این شخص متخصص دقتی که نیست متخصص در امر جنگل است شما وقتی که بيك متخصص جنگلی را می آورید و مخارج ها سر کشی کرده و مسافرت نموده در ایاب و ذهاب باشد و بملاوه برای گردش طهران هم يك اسب باو میدهند و این اسب را هم بنده تازه در این کثرات می بینم و در جاهای دیگر ندیده ام لذا با این ترتیب روزی سه تومان زیاد است. ما که برای ملاحظه او و برای اینکه هر دفعه سه چهار قران بدل درشکه ندهد با واسب و عیق هم میدهم و سایر مخارجات و لوازم کار را هم باو میدهم دیگر مناسبت ندارد روزی سه تومان باو بدهیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**رئیس -** پیشنهاد آقای شوشتری قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلمه بنده حذف شود.

**رئیس آقای شوشتری (اجازه)**

شوشتری - بنده عرض می کنم این اولاً ماهی بانصد تومان می گیرد بملاوه روزی سه تومان هم مخارج مسافرت می گیرد سایر لوازم هم که باور داده میشود دیگر از این کلمه بنده مقصود چیست؟

و بعقیده بنده این کلمه بنده در قانون زیادی است.

مخبر - مقصود از بنده این است که وقتی که برای مأمورین حاکمیتی که برای مسافرت يك جامه دانی و بعضی لوازم مسافرت

لازم دارد. این معنی بنده است. رئیس - رأی می گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای شوشتری را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بجای سه تومان بهمان دو تومان اولی رأی گرفته شود. آقا سید یعقوب - آن نظامنامه که آقای وزیر اشاره کردند اصلا ربطی به مجلس ندارد. آن فقط يك نظامنامه ایست. در لایحه دولت هم که به کمیسیون بودجه و کمیسیون فواید عامه آمده خرج سفر همان دو تومان بوده حالا نمیدانم چطور آقای وزیر در مجلس میفرمایند روزی سه تومان باید داده شود. بنده نظر بلاجه دولت این پیشنهاد را کردم. در آنجا هم همان دو تومان است حالا دیگر حکمیت با مجلس شورای ملی است. مخبر - استدعا دارم ماده هفت را بفرمایند مطرح کنند تا رأی از کمیسیون بیاید. رئیس - رأی از کمیسیون اینچنان است همان دو تومان است. رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام کردند) رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت می شود (باین مضمون خوانده شد) ماده هفتم - دولت ایران مبلغ چهار صد تومان برای مسافرت مسیو فن دما کن از آلمان بطهران خواهد داد و همین مبلغ در موقع معاودت مشارالیه به آلمان تأدیبه خواهد شد مسیو فن دما کن مکلف است که در ماه پس از تصویب این کنتراست در تهران حاضر شود رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - موافقم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که مقصود از او غیره چیست؟ چون مینویسد؟ آلات و ادوات علمی و غیره. و مقصود از این غیره معلوم نیست. چون کلمه مهم در قانون نباید باشد و کلمه و غیره مجمل است لذا بنده مخالفم باید معین شود که چه آلات و ادواتی لازم است و در قانون نوشته شود. مخبر - ما که نمیدانیم چه آلانی برای جنگل لازم است و چطور می توانیم در قانون بنویسیم؟ او خودش میدانند و هر چه را که لازم میدانند میفرود می آورند رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - بنده چون این بانصد تومان را زیاد میدانم خواستم بدانم این مسافرت میکنند و اکثر هم از آذربایجان خود بدست خود بنده بوده اند صد و پنجاه الی دویست تومان برای مسافرت کافی است و اینکه در اینجا چهار صد تومان خرج سفر از آلمان بطهران منظور شده برای چیست؟

لازم دارد. این معنی بنده است. رئیس - رأی می گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای شوشتری را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بجای سه تومان بهمان دو تومان اولی رأی گرفته شود. آقا سید یعقوب - آن نظامنامه که آقای وزیر اشاره کردند اصلا ربطی به مجلس ندارد. آن فقط يك نظامنامه ایست. در لایحه دولت هم که به کمیسیون بودجه و کمیسیون فواید عامه آمده خرج سفر همان دو تومان بوده حالا نمیدانم چطور آقای وزیر در مجلس میفرمایند روزی سه تومان باید داده شود. بنده نظر بلاجه دولت این پیشنهاد را کردم. در آنجا هم همان دو تومان است حالا دیگر حکمیت با مجلس شورای ملی است. مخبر - استدعا دارم ماده هفت را بفرمایند مطرح کنند تا رأی از کمیسیون بیاید. رئیس - رأی از کمیسیون اینچنان است همان دو تومان است. رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام کردند) رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت می شود (باین مضمون خوانده شد) ماده هفتم - دولت ایران مبلغ چهار صد تومان برای مسافرت مسیو فن دما کن از آلمان بطهران خواهد داد و همین مبلغ در موقع معاودت مشارالیه به آلمان تأدیبه خواهد شد مسیو فن دما کن مکلف است که در ماه پس از تصویب این کنتراست در تهران حاضر شود رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - موافقم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که مقصود از او غیره چیست؟ چون مینویسد؟ آلات و ادوات علمی و غیره. و مقصود از این غیره معلوم نیست. چون کلمه مهم در قانون نباید باشد و کلمه و غیره مجمل است لذا بنده مخالفم باید معین شود که چه آلات و ادواتی لازم است و در قانون نوشته شود. مخبر - ما که نمیدانیم چه آلانی برای جنگل لازم است و چطور می توانیم در قانون بنویسیم؟ او خودش میدانند و هر چه را که لازم میدانند میفرود می آورند رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - بنده چون این بانصد تومان را زیاد میدانم خواستم بدانم این مسافرت میکنند و اکثر هم از آذربایجان خود بدست خود بنده بوده اند صد و پنجاه الی دویست تومان برای مسافرت کافی است و اینکه در اینجا چهار صد تومان خرج سفر از آلمان بطهران منظور شده برای چیست؟

کار خودش لازم دارد که باید بیارود. از این جهت این مبلغ با اعتبار داده شده که هر چه را لازم میدانند بفرود با خود بیارود. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادی از طرف آقای اسفندیاری رسیده قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم پس از ختم کنتراست آلات و ادوات علمی ایتیمی که متعلق بدولت ایرانست بدولت تسلیم شود رئیس - آقای اسفندیاری - توضیحی ندارم مطلب معلوم است مخبر - این پیشنهاد مورد ندادن وقتی که این شخص باینجا میاید گذشته از این آلات ممکن است يك چیزهای دیگری هم برای اجرای وظیفه در اختیار او گذشته شود و در حال این اتانیه مال دولت است و بکسی ربطی ندارد و لازم نیست در اینجا توضیحی داده شود زیرا آن وقت مفهوم مخالفت این است که دیگران نمیتوانند اتانیه دولت که در اختیار آنها است تصرف کنند. اسفندیاری - بنده هم می خواستم همین توضیح داده شود. لذا پیشنهاد را پس می گیرم رئیس - رأی می گیریم بماده هشتم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده نهم (شرح ذیل قرائت شد) ماده ۹ - برای تهیه اثاث البیت پس از ورود بطهران مواجب سه ماه مسیو فن دما کن يك جا مساعده بمشارالیه تأدیبه خواهد شد. رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - بنده يك اصلاح عبارتی دارم. اینکه نوشته برای تهیه اثاث البیت پس از ورود بطهران مواجب سه ماهه مسیو فن دما کن يك جا مساعده بمشارالیه خواهد شد لغت مساعده در اینجا چه معنی دارد؟ آیا بعد از مواجب او کسر خواهند گذاشت؟ بنابراین بعقیده بنده لغت مساعده در اینجا مورد ندارد رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - گمان میکنم عبارت خیلی روشن است می گوید پس از ورود مواجب سه ماه يك جا مساعده بمشارالیه تأدیبه خواهد شد. این برای این است که بتواند وسیله معاش خود را مرتب سازد. سه ماه حقوق يك جا باور داده میشود میفرمایند باین مساعدت نیست؟

عبارت خیلی واضح در روشن است و گمان نمی کنم نقص داشته باشد. رئیس - رأی گرفته می شود بنده هم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت می شود (شرح ذیل خوانده شد) ماده دهم - در صورتی که در مدت این کنتراست مسیو فن دما کن مدتی بیش از سه ماه قادر با اجرای وظایف خود نباشد دولت ایران حق دارد این کنتراست را ملغی نماید و در صورت الغای کنتراست دولت مکلف است که معادل حقوق سه ماه مسیو فن دما کن را علاوه بر مخارج مراجعت به مشارالیه که در ماده هفتم ذکر شده است بپردازد. رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - تصور میکنم قرارداد هائی که با مستخدمین خارجیه است میشود هر چه عبارت سلیس تر باشد بهتر است و کمتر اسباب زحمت خواهد شد بنده مقصود دولت و کمیسیون را از این جمله (که قادر با اجرای وظایف خود نباشد) اصلا نمی فهمم چیست و این يك جمله کسدار است. اگر مقصود اینست پس از اینکه آمد معلوم شد او متخصص نیست و از این لحاظ قادر با اجرای وظایف خود نخواهد بود اینکه غلطت برای اینکه ابتدا دولت باید سعی کند کسی را که استخدام می کند و حقیقتا متخصص باشد اگر يك دلیل دیگری دارد و مقصود اینست که دولت يك روزی بتواند کنتراست او را لغو کند خوبست توضیح بدهند تا مطلب کامل روشن و معلوم شود والا این جمله کسدار است و اسباب زحمت خواهد بود مخبر اولاً باید عرض کنم که مواد این کنتراست بارضایت طرفین نوشته شده و این ماده هم یکی از مواد خوب این کنتراست است برای اینکه مفهوم مخالفت را هم خوب در نظر بگیرد که اگر پس از ورود بطهران پس از دو ماه یا سه ماه همان علتی که خودتان فرمودید یا همل دیگری (بنده عرض نمی کنم متخصص نیست ولی شاید آنطور که ما در نظر داریم از او استفاده شود نشد) قادر نشد که اجرای وظیفه نماید. آن وقت چه باید کرد؟ در این صورت دولت بوجوب این ماده حق دارد که کنتراست او را فسخ نموده و معادل سه ماه حقوق باور داده میشود که برود رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - متأسفانه دفاعی که آقای مخبر

کردند بنده را قانع نکرد زیرا بنده می بینم همیشه عمرو پول ماصرف امتحان و تجربه میشود مثلا يك نفری را برای بلدیه می آوریم دویست هزار تومان خرج میدان توپخانه میکنیم یا يك نفر برای بانک می آوریم و مبالغی خرج میکنیم بعد معلوم میشود که اطلاع و تخصص نداشته و میرود درین قبیل مواقع دولت باید بنمایند گان خودش تلگراف کند که از اول گوشان را باز و متخصصین صحیح استخدام کند که بعد چار زحمت و ضرر نشوند والا اگر بنا شود ما چهار صد تومان بدو آخر ج مسافرت بدهیم سه ماه هم حقوق بدهیم و امتحان کنیم بعد معلوم شود که مثل بنده بوده و از هیچ کاری ربط ندارد آن وقت سه ماه دیگر هم که روی هم شش ماه میشود باز حقوق بدهیم که تقریباً چهار هزار تومان میشود در روانه اش کنیم. این بعقیده بنده چیز خوبی نیست بنده اینرا صحیح نمیدانم دولت باید متخصص بیارود زیرا مایول زیادی نداریم که متصل امتحان کنیم و چهار هزار تومان برای امتحان بدهیم مخبر - متأسفانه مدافعات بنده در خارج هم آقا را قانع نکرد و حالا هم انتظاری ندارم که آقا قانع شوند آنچه عرض میکنم میخواهم سایر آقایان قانع شوند ممکنست پس از سه ماه که این شخص آمد با اینکه نماینده دولت متخصص درجه اول را هم استخدام کرد ولی آیا ممکن نیست خیلی محدود کنیم و از يك کلیاتی صرف کنیم و يك خصوصیتی را فقط در قانون ذکر کنیم؟ قادر با اجرای وظایف نباشد. مقصود تنها این نیست که مریض شود ممکنست علت دیگری هم داشته باشد بنابراین دافی ندارد که ما دست دولت را ببندیم و اختصاص بمرض بدهیم بمرضی از الغاء دولت تشخیص داد که او قادر نیست این بعقیده بنده هت راست. رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای دامغانی را تصویب میکنند قیام فرمایند. (چند نفری قیام کردند) رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای د کتر آقایان. (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ده - اینطور پیشنهاد میکنم در تمام مدت این کنتراست دولت حق دارد این کنتراست را ملغی نماید و درین صورت دولت مکلفست حقوق سه ماه فن دما کن را علاوه بر مخارج معاودت مشارالیه که در ماده هفتم ذکر شده است بپردازد. رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - از توضیح آقای تدین و آقای فاطمی مخبر محترم کمیسیون

کلمه سه ماه نوشته شود بواسطه مریض شدن قادر با اجرای وظایف. الی آخر رئیس بفرمایند دامغانی - لفظ قادر که در اینجا نوشته شده است: بیش از سه ماه قادر با انجام وظیفه نباشد اگر بمعنی لایق باشد که البته باید سعی کرد از ابتدا يك شخص لایقی را استخدام کرد اگر هم عدم قدرت او را فرض کنیم که از طرف دولت درین صورت مسئولیتی بر او متوجه نیست پس همچو بنظر می آید که مقصود از این کلمه مریض شدن اوست یعنی مریض شد بطوریکه قادر با انجام وظیفه نشد. والا گمان نمی کنم معنی دیگری داشته باشد. اگر هم مقصود اینست که لایق الاقتضا هر وقت وزارت خانه بخواهد - میتواند اورا منقصل و کنتراستش را لغو کند که این محتاج باین حرفها نیست باید يك ماده گذرانند که هر وقت دولت بخواهد میتواند کنتراست او را لغو کند والا لفظ قادر معنای صحیحی بجز مریض شدن ندارد و اگر اینطور شد باید نوشته شود که بواسطه مریض شدن قادر با انجام خدمت نباشد. رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - اولاً درین ماده حق الغاء کنتراست بدولت داده شده نه بوزارت فواید عامه. ثانیا ما نباید حتی الامکان يك کارهائی کنیم که اختیارات دولت را خنثی محدود کنیم و از يك کلیاتی صرف کنیم و يك خصوصیتی را فقط در قانون ذکر کنیم. قادر با اجرای وظایف نباشد. مقصود تنها این نیست که مریض شود ممکنست علت دیگری هم داشته باشد بنابراین دافی ندارد که ما دست دولت را ببندیم و اختصاص بمرض بدهیم بمرضی از الغاء دولت تشخیص داد که او قادر نیست این بعقیده بنده هت راست. رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای دامغانی را تصویب میکنند قیام فرمایند. (چند نفری قیام کردند) رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای د کتر آقایان. (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ده - اینطور پیشنهاد میکنم در تمام مدت این کنتراست دولت حق دارد این کنتراست را ملغی نماید و درین صورت دولت مکلفست حقوق سه ماه فن دما کن را علاوه بر مخارج معاودت مشارالیه که در ماده هفتم ذکر شده است بپردازد. رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه) دکتر آقایان - از توضیح آقای تدین و آقای فاطمی مخبر محترم کمیسیون

معلوم شد که مراد دولت از این ماده اینست که در تمام مدت کنتراست بتواند آثار لغو نماید. اگر مقصود اینست باید ساده نوشته شود که در تمام مدت کنتراست هر وقت که دولت بیکي از دلایل فهمید که این آدم قادر نیست که خدمت خود را انجام دهد حق داشته باشد کنتراست او را ملغی نماید والا هر وقت که دولت ابواب گوید توبلغان دلیل قادر با اجرای وظایف خود نیستی جواب می دهد که من قادرم این همیشه يك مذاکرانی بین او و دولت ایجاد کرده و اسباب زحمت خواهد بود. وزیر فواید عامه - آقای دکتر آقایان باید خودشان تعهدی کنند که هیچ کس حاضر نخواهد شد مقدرات خودش را باین معول کند که هر دقیقه که دولت بخواهد سه ماه حقوق باو بدهد و این کنتراست او را لغو نماید. بعلاوه فراموش نباید کرد که کنتراست دو طرف دارد و اگر این پیشنهاد آقا قابل توجه بود بنده یقین میکنم که این استخدام وجود خارجی نخواهد داشت اما در اصل ماده گویا سوء تعبیر و تفسیری شده است مقصود تعیین اختیار برای دولت نیست که هر وقت بخواهد قادر باشد کنتراست او را فسخ کند. تمام اطراف را باید ملاحظه کرد. اگر يك مستخدمی آمده و آب و هوای ایران بوجودش ساخت و ناخوش شد و شش ماه در خانه اش افتاد و قادر با انجام وظایف نشد تا وقتی که يك ماده نباشد که بانگای آن تکلیف دولت معلوم باشد او حق دارد حقوق تمام مدت خدمت خود را بگیرد و کار نکند حتی هم برای دولت نیست که کنتراست او را لغو کند پس يك ماده باید باشد که وقتی بمرض او از انعام او قادر با انجام وظیفه نشد دولت اختیار داشته باشد کنتراست او را ملغی کند و این بقدری ساده است که هیچ حرفی در اطرافش ندارد والا فرض این نیست که در هر مرحله از مراحل دولت حق داشته باشد کنتراست او را لغو کند و اصلا باین ترتیب هیچ مستخدمی قبول خدمت نمیکند. رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای دکتر آقایان را تصویب میکنند قیام فرمایند. (دوسه نفری قیام کردند) رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای کازرونی. (باین عبارت خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دهم این عبارت ضمیمه شود: مدتی بیش از سه ماه را انجام وظایف معوله خود استتکاف ورزید دولت ایران حق دارد ۰۰۰ الی آخر. کازرونی - مکرر کنتراستهای مستخدمین خارجی بجلس آمده و

آقایان تصویب کرده اند و يك همچو ماده در آنها نبوده است. این يك ماده تازه است که بجلس آمده و اگر بنده در سایر کنتراستها يك همچو ماده میدیدم نه تنها مخالفت نداشتم بلکه موافق هم بودم بنده نمیدانم يك نفر آلمانی علاوه بر تخصص جنگل دیگر چه تخصص باید داشته باشد که در مدت کنتراست هر وقت قادر با اجرای خدمت نشد باید با دادن سه ماه حقوق کنتراستش لغو شود؟ می فرمایند در تحت عنوان می خواهد باشد (بهر نحوی از انعام که باشد) ممکن است این جهت با این نحو يك جهتی داشته باشد که ما بآن راضی نباشیم و میل نداشته باشیم که آن جهت این اندازه مؤثر باشد که يك مستخدم که وجودش برای ما نامفست بدون دلیل ما او را خواب بدهیم که برود باین معنی که دلیل در باطن چیز دیگری باشد و در ظاهر چیز دیگری گفته شود. بنده می خواستم با این ماده مخالفت کنم فرصت نشد پیشنهاد کردم که در ضمن تصدیق پیشنهاد عقاید خود را عرض میکنم. حقیقتا خیلی جای تأسف است که ما در قانون يك نظریاتی اتخاذ کنیم که يك کسیکه وجودش برای ما در حال لازمست همیشه متزلزل باشد و اطراف و جوانب خودش را مجبور باشد ملاحظه کند که بيك جهتی از جهات و بفرمایش آقا بيك نحوی از انعام او را جواب نگویند. وزیر فواید عامه - بنده خیال نمی کردم که يك ماده خوبی که ممکنست برای آتی هم سابقه شود اینقدر مورد مذاکره شود. بنده نمیدانم این عرض را که کردم بچه عنوان میشود تعبیر و تفسیر کرد بنده وقتی هرايش خود را عرض کردم هیچ پردو لغافه را در نظر نداشتم که اسباب نگرانی آقا باشد بلکه خیلی ساده عرض کردم بمرضی از انعام مثلا از اسب زمین خورد یا بش شکست یا دچار مالاریا شد آن علت باطنی که منظور آقا است امیدوارم در این منکنت هیچوقت وجود خارجی پیدا نکند و همیشه مستخدمین خارجی ما قادر با انجام وظیفه باشند این عرض بنده فقط از نقطه نظر علل مزاجی است که ممکن است برای آنها هارض شود والا از نقطه نظر دیگری نخواهد بود. بعلاوه نباید توهین کرد بلك مستخدمی زیرا خود اینکه گفته: ود اگر استتکاف کرد از اجرای وظیفه ای که عهد دار است این توهین است زیرا مستخدمی که استخدام شد نباید از اجرای وظایف خودش استتکاف



هم راجع به معاملات می گوید که اگر معامله کرد مامله باطل است و علاوه بر آن که معامله باطل است اگر هم خسارتی متوجه دولت شد باید از عهده آن خسارت برآید و بنده هیچ اشکالی در ماده نمی بینم رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقامیرزاشهاب آقایان موافقت قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشود رأی می گیریم بماده ۷ آقایانیکه ماده ۷ را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۸ (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۸ - صاحب امتیاز مجاز است در طرفین راه در نقاطی که مقتضی باشد اینبه لازم را بنامساید و از ارضی که برای اینبه مزوره یا برای خارصه باشد از طرف دولت مجاناً و از ارضی دایر خارصه هم در صورت ضرورت برای خط راه تا بقای امتیاز و اگذار خواهد شد ولی از ارضی دایر خارصه که برای اینبه راه لازم باشد همچنین باید و دائر غیر خارصه را صاحب امتیاز بقیمت عادلانه خریداری خواهد کرد و هر گاه صاحبان ارضی مزبوره حاضر بفرش نشوند صاحب امتیاز بوزارت فوائد عامه مراجعه خواهد کرد برای حفظ منافع عمومی مداخله نموده قرار عادلانه بدهد رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - موافقم رئیس - آقای دادگر (اجازه) دادگر - موافقم رئیس - موافقم رئیس - آقای اتحاد (اجازه) اتحاد - بنده تصور میکنم هر چه در قانون ابهام کمتر باشد بهتر است در قسمت احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته صاحب امتیاز حق خواهد داشت نه فریبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد رئیس - آقای آقاسید یعقوب آقاسید یعقوب - بنده موافقم رئیس - مخالفی ندارد

جمعی از نمایندگان - خیر رئیس - رأی می گیریم آقایان که ماده ۹ را تصویب میکنند قیام فرمایند رئیس - تصویب شد ماده ۱۰ (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۱۰ - صاحب امتیاز در آن قسمت از راه که از کوهها عبور میکند از طرف دره بپاید دیوار احتیاطی و پناهگاه محکمی از سنگ و آهک بسازد و این دیوار باید لااقل ۱۲ گرم عرض و ۱۲ گرم ارتفاع داشته باشد مغیر - عرض میکنم ۱۲ گرم در هر دو جا باید سیدل شود به ۸۹ گرم اعشاری وزیر فوائد عامه - قصد آقای مغیر این است نظر باینکه ۱۲ گرم که نوشته ۳ ربع ذرع سابق است و ذرع هم تغییر کرده گز شده لذا باید نوشته شود ۸ گز اعشاری رئیس - آقای عراقی (اجازه) عراقی - موافقم رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - موافقم رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۱۰ باتبدیل ۱۲ گرم به ۸۹ گرم اعشاری آقایان که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۱ - صاحب امتیاز مجاز است که پس از ساخته شدن نصف هر یک از راهها بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید حق العبور متناسب با تمام تعمیرات راه و اداری آن مطابق تعرفه که باموافقت وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای عبور از قسمت ساخته شده دریافت دارد ولی میزان حق العبور بهر جهت از حق العبور طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد رئیس - آقای دادگر (اجازه) دادگر - موافقم رئیس - آقای عراقی (اجازه) عراقی - موافقم رئیس - آقای اتحاد (اجازه) اتحاد - بنده تصور میکنم هر چه در قانون ابهام کمتر باشد بهتر است در قسمت احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته صاحب امتیاز حق خواهد داشت نه فریبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد رئیس - آقای آقاسید یعقوب آقاسید یعقوب - بنده موافقم رئیس - مخالفی ندارد

چنانچه وزیر فوائد عامه ملاحظه کرد دید مخارج خیلی زیادی کرده و باید متناسب مخارجی که کرده حق العبوری بگیرد و حقاً هم باید متجاوز باشد از حق العبوری که از راههای شوسه دولتی میگیرند آن وقت در آن صورت تجاوز نزیاید بکنند اما کمتر ممکن است این بابت که میگوید باموافقت وزیر فوائد عامه باشد و بقیه بنده مطلب خیلی روشن است رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - موافقم رئیس - آقای رضوی رضوی - بنده موافقم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - آقای آقامیرزاشهاب (اجازه) آقامیرزا شهاب - عرض میکنم این عبارت خوانده شد و هیچکدام از آقایان هم اعتراضی نفرمودند در آن ماده هم که بنده پیشنهاد کردم قابل توجه نشد و یک جمله بدون مبتدا و خبر تصویب شد آقایان هیچکدام ایرادی نفرمودند این عبارت را از آقای مغیری برسم معنایش چیست؟ اگر صدق دارد بفرمایند اینجایم بگوید: حق العبور متناسب با تمام تعمیرات راه و اداری آن این عبارت معنایش چیست؟ خوب است آقای مغیر توضیح بدهند مغیر - چشم - اینجا میگوید حق العبور میبایستی متناسب باشد با مخارجی که برای تمام راه شده و همچنین مخارجی که برای اداره کردن داده میشود و در اینجا کلمه مخارج افتاده و بنده قبول میکنم که این کلمه اضافه شود رئیس - غیر از این ایرادی نیست؟ طهران - بنده پیشنهادی دارم پیشنهاد ایشان بمضمون آتی خوانده شد این بنده پیشنهاد مینمایم از ولی الی آخره حذف شود رئیس - پیشنهاد دیگری هست که مقدم است بشرح ذیل خوانده شد پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان نظامی بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۱۱ علاوه شود تبصره - برای عبور اهالی مجلی از خط شوسه در صورتیکه چهار فرسخ خط سیر آنها بیشتر نشود از تادیه حق العبور معاف خواهند بود رئیس - آقای نظامی (اجازه) نظامی - عرض میکنم خط شوسه راه قزوین وقتی که احداث شد همه روزه اسباب زحمت برای اشخاصیکه در قراء و

قبضات و اطراف راه بودند فراهم می شد حالا برای استحضار آقای مضرب این مثال را عرض میکنم مثلاً در حاجی آباد که متصل بکرج است وقتی که یک نفر رعیت يك الاغی دارد و میخواهد از کلاک بجای آباد برود یا بالعکس باید در بین راه مبالغ زیادی باج راه و حق العبور بدهد و این در واقع يك ظلمی بود نسبت با آنها و خود دولت متوجه این مسئله شد و بالاخره از برای آسایش اهل محل آمدند اینطور قرار دادند که اگر تا چهار فرسخ بیشتر نباشد از تادیه حق العبور معاف باشد و این عمل در خطوط شوسه هم که متعلق بدولت است جریان دارد ولی صاحب امتیاز این کار را نخواهد کرد و اگر بخواهد هر ساعت از این راهها يك حق العبوری اخذ نماید اسباب زحمت رعایا است از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم مغیر - آقا خوب است این نکته را در نظر بگیرید که اگر در چهار فرسخ حق العبور میگیرند بنامد آن هم زاده خراب میکند و شش فرسخ هم از او حق العبور گرفته نمیشود معذک من از طرف کمیسیون قبول می کنم که دو فرسخ معاف باشد والا چهار فرسخ يك منزل تمام است و اگر بنا باشد چهار فرسخ را معاف کنیم صاحب امتیاز در مغایر واقع میشود اما دو فرسخ را بنده میتوانم از طرف کمیسیون برای دهات و قوای که لازم دارند با همدیگر معاشرت کنند و ایاب و ذهاب بکنند معاف باشند وزیر فوائد عامه - بنده اساساً معتقدم که برای چهار فرسخ یا دو فرسخ از اینجا فی المجلس نمیشود تصمیمی اتخاذ کرد ولی در اینکه برای اشخاصی که در قراء و قبضات هستند تحقیقاتی باید ملحوظ شود محل کلام نیست و تذکره را هم که آقا دادند خیلی جالب توجه است بنابر این اصلاح شقوق این است که ماده بر گردد به کمیسیون و در آنجا از روی دقت و ترتیبی که نه اسباب ضرر صاحب امتیاز شود و نه اسباب زحمت و خسارت مردم بشود یک ترتیب عادلانه در نظر بگیرند و بعد بیاید مجلس و حالا ممکن است مواد دیگر را رسیدگی کنند مغیر - بنده هم قبول میکنم بر گردد بکمیسیون رئیس - ماده دوازده (بترتیب ذیل خوانده شد) ماده ۱۲ - کلیه نظامیان و مأمورین وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه که برای تفتیش و ارسیدگی بحساب راه مسافرت می کنند و مأمورینی که برای سیم کشی و

بنا بر این از نقطه نظر تربیت چون اینست در آن قانون تکلیفش معین شده دیگر در تادیه حق العبور معاف خواهند بود همین مأمورین سیاسی دول خراج با تشخیص وزارت فوائد عامه و بایست دولتی بهر وسیله که حمل شود نصف حق العبور را خواهد برداخت مغیر - اینجا يك اشتباهی شده است و یا را بایستی ولی بنویسند ولی پست دولتی بهر وسیله که حمل میشود نصف حق العبور خواهد داد؟ رئیس - مخالفی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر رئیس - رأی می گیریم بماده دوازده باتبدیل (و یا) به (ولی) آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده سیزده (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۱۳ - صاحب امتیاز متعهد است که دفاتر منظمی از قبیل دفتر روزانه و دفتر مخارج و عایدات و دفتر دارائی راه و صورت حساب سالیانه (بیان) و غیره ترتیب داده و در موقع تفتیش بامورین مخصوص دولت ارائه دهند مأمورین دولت در هر موقع حق دارند دفتر را سناد محاسبه راه تفتیش نمایند رئیس - آقای رطهرانی (اجازه) طهران - و این يك ماده از قانون تجارت است که از کمیسیون عدلیه گذشته و تمام اینها را (که باید دارای دفاتر اربعه باشد و فلان کیفیت را باید دارا باشد) هر تجارخانه مکلف است بلا استثناء داشته باشد و با رعایت آن شرایطی که در اصل قانون تجارت ملحوظ است و اینکه بایستی صاحب امتیاز هم بصورت يك تجارخانه کار کند و يك شرکتی تشکیل بدهد باید تمام آن شرایط را بلا استثناء دارا باشد و با وجود آن قانون و گذشتن این ماده بنظر بنده در اینجا مورد موضوعی ندارد وزیر فوائد عامه - نظر باینکه صاحب امتیاز تجارخانه نیست لهذا بهتر این است که تکالیف او معین شود رئیس - آقای داور (اجازه) داور - بنده هم میخواستم نظر آقای طهران را عرض کنم و به قضیه هم بخودی خود اهمیت نمیدهم ولی از نقطه نظر اینکه قوانین مملکتی باید با هم دیگر ارتباط داشته باشد این است که عرض میکنم قانون تجارت ما برای هر يك از امور تجارتنی تکالیفی معین کرده و یکی از کارهای تاجر همین کاری است که صاحب امتیاز میکند و در اینصورت مجبور است دفتر هم داشته باشد ولی ممکن است در این جا بنده باشد هر وقت دفتر او را دولت خواست نشان بدهد و

راه و اینبه آن و کلیه اشیاء منقول و غیر منقول متعلق براه (با استثناء کامیون و اتومبیل) از روی دفتر دارائی منقول و غیر منقول بدولت ایران انتقال خواهد یافت بدون اینکه صاحب امتیاز حق داشته باشد اموال مزبور را قبلاً در رهن گذارند و یا نسبت با آنها با شخص ثالثی تفویض حتی نماید و برای تأمین اجرای این ماده در خانه مدت صاحب امتیاز باید راه و ماملات منقول و غیر منقول آن را معمولاً تحویل دولت بدهد و علاوه اموال منقولی که تحویل میدهد باید مطابق دفتر دارائی پنج سال اخیر مدت امتیاز باشد رئیس - مخالفی ندارد شریعت زاده - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید شریعت زاده - عرض کنم نمیتوان اینجا گفت که اشیاء ادوات و آلاتی که برای اداره لازمه است و موارد استعمال است از بین نرود بنابر این تصریح باینکه این اشیاء مطابق با دفتر دارائی تسلیم شود این تحمیل غریبی است برای اینکه ممکن است بیل و کلنگ و سایر آلات اینها همه بکلی از بین برود و اینکه اینجا میگوید مطابق دفتر دارائی باید پس بدهد مفهومی نیست که باید در مرتبه اینجا را بفرمود بدهد بنا بر این خوب است آقای مغیر موافقت بفرمایند که این قسمت اصلاح شود مغیر - عرض میکنم بیل یا کلنگ بر فرض اینکه شکست و از میان نخواهد رفت و دفتر نشان می دهد که يك همچو چیزی بوده و البته تحویل نخواهد داد و بنده از طرف صاحب امتیاز میخواستم استدعا کنم که عوض این دلسوزی که برای صاحب امتیاز میفرمایند يك ترتیبی بکنند این شخص را که وارد میشود زودتر بفرستند برود مشغول کارش باشد رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - موافقم رئیس - آقای عراقی (اجازه) عراقی - بنده هم موافقم رئیس - رأی می گیریم بماده ۱۵ آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم (این طور قرائت شد) ماده ۱۶ - عرض راه نباید کمتر از هفت گز و نیم باشد مگر در جایی که موانع طبیعی غیر قابل رفع موجود باشد که آن را متخصص فنی وزارت فوائد عامه تصدیق کند سایر ترتیبات فنی راه مطابق شرایط

بنا بر این از نقطه نظر تربیت چون اینست در آن قانون تکلیفش معین شده دیگر در تادیه حق العبور معاف خواهند بود همین مأمورین سیاسی دول خراج با تشخیص وزارت فوائد عامه و بایست دولتی بهر وسیله که حمل شود نصف حق العبور را خواهد برداخت مغیر - اینجا يك اشتباهی شده است و یا را بایستی ولی بنویسند ولی پست دولتی بهر وسیله که حمل میشود نصف حق العبور خواهد داد؟ رئیس - مخالفی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر رئیس - رأی می گیریم بماده دوازده باتبدیل (و یا) به (ولی) آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده سیزده (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۱۳ - صاحب امتیاز متعهد است که دفاتر منظمی از قبیل دفتر روزانه و دفتر مخارج و عایدات و دفتر دارائی راه و صورت حساب سالیانه (بیان) و غیره ترتیب داده و در موقع تفتیش بامورین مخصوص دولت ارائه دهند مأمورین دولت در هر موقع حق دارند دفتر را سناد محاسبه راه تفتیش نمایند رئیس - آقای رطهرانی (اجازه) طهران - و این يك ماده از قانون تجارت است که از کمیسیون عدلیه گذشته و تمام اینها را (که باید دارای دفاتر اربعه باشد و فلان کیفیت را باید دارا باشد) هر تجارخانه مکلف است بلا استثناء داشته باشد و با رعایت آن شرایطی که در اصل قانون تجارت ملحوظ است و اینکه بایستی صاحب امتیاز هم بصورت يك تجارخانه کار کند و يك شرکتی تشکیل بدهد باید تمام آن شرایط را بلا استثناء دارا باشد و با وجود آن قانون و گذشتن این ماده بنظر بنده در اینجا مورد موضوعی ندارد وزیر فوائد عامه - نظر باینکه صاحب امتیاز تجارخانه نیست لهذا بهتر این است که تکالیف او معین شود رئیس - آقای داور (اجازه) داور - بنده هم میخواستم نظر آقای طهران را عرض کنم و به قضیه هم بخودی خود اهمیت نمیدهم ولی از نقطه نظر اینکه قوانین مملکتی باید با هم دیگر ارتباط داشته باشد این است که عرض میکنم قانون تجارت ما برای هر يك از امور تجارتنی تکالیفی معین کرده و یکی از کارهای تاجر همین کاری است که صاحب امتیاز میکند و در اینصورت مجبور است دفتر هم داشته باشد ولی ممکن است در این جا بنده باشد هر وقت دفتر او را دولت خواست نشان بدهد و

خواهد بود که باموافقت نظر وزارت فوائد عامه و بر طبق دستور متخصصین تعیین خواهد شد رهنا - موافقم رئیس - آقای شیروانی (اجازه) وزیر فوائد عامه - در این قسمت باید يك اصلاحی بشود زیرا سابقاً که این لایحه تنظیم میشد هفت گز و نیم بود و ذرع هم از متر قدری بیشتر می شد و حالا بعد از گذشتن این قانون اگر هفت گز و نیم نوشته شود قدری عرض راه کمتر میشود و مقرون به احتیاط است که گز نوشته شود که همان هفت ذرع و نیم سابق باشد رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیه وان - يك قسمت عرض بنده را آقای وزیر فوائد عامه خودشان اصلاح فرمودند ولی قسمت دوم این است بنده وقتی که در کمیسیون فوائد عامه بودم با این قسمت مخالف بودم و حالاً هنوز نظرم هست که آن قسمت تأمین شده در اینجا میگوید مگر در جاهائی که موانع طبیعی غیر قابل رفع موجود باشد و آنرا متخصص فنی وزارت فوائد عامه تصدیق کند آنگاه دیگر تعیین نکرده است همینقدر نوشته هفت گز و نیم باشد مگر جاهائی را که متخصص بگوید نمی شود اما چقدر باشد معلوم نیست چهار گز باشد دو گز باشد؟ دیگر حداقلش را تعیین نکرده و بالاخره عرض راه باید يك حدی محدود باشد که افلا دوتا چرخ یعنی دو کاری بتواند در جاده حرکت کند که یکی از آن طرف و یکی از این طرف بتوانند حرکت کنند و بهم بر نخورند که بیفتند توی دره این است که بنده تصور میکنم خوب است اینجا يك حداقلی برای این مسئله معلوم شود وزیر فوائد عامه - بنده تصور میکنم مختصر اشباهی حاصل شده است حد طبیعی جاده همان وسعت خود جاده است زیرا وقتی که میگوئیم بر میخورد بدان معنی است غیر قابل رفع مقصود این است که اگر يك جایی کوه باشد سنگ را بشرد کند و جاده را وسیع کند اما بجانگی که موانع طبیعی هست و رفع آن ممکن نیست فاصله آن را در طبیعت معین کرده و عرض راه طبیعت بقدر همان فاصله است که طبیعت ایجاد کرده و بیش از آن ممکن نیست در این صورت اینجا دیگر تعیین شود حدی برای معین کرد زیرا حد همان است که طبیعت معین کرده و کم زیاد نمیشود و حقیقتاً غیر ممکن است آن وقت میفرمایند عرض این راه چقدر باشد؟

بعلاوه هیچ آدم عاقلی نمی رود یک راه شوسه بسازد که بیک جایی برسد که عرض ده ذرع راه نیم ذرع باشد زیرا باید راه را طوری باشد که چهار چرخه بتواند سهولت عبور کند و اگر بخواهد عرض راه رایک ذرع در ذرع قرار بدهد اسباب زحمت میشود و قهر این امتیاز لغوی شود و صاحب امتیاز می رود بی کارش

**رئیس - آقای رهنما (اجازه)**

**رهنما - موافق**

**رئیس - آقای رضوی**

**رضوی -** بنده یک سوالی داشتم خواستم به بینم این هشت گز عرض راه با دوجوی دو طرفش است یا نه؟ اگر بدون جوی باشد کفایت میکند ولی اگر با جوی باشد که اسباب زحمت هابرین نباشد . مخبر - آقا ملاحظه بفرمائید : میگوید باید هشت ذرع باشد . دیگر کلمه جوی ندارد و الا پشت سر جوی هم باز زمین هست مقصود این است که عرض راه هشت ذرع باشد جوی مربوط به عرض راه نیست .

**رئیس - آقای آقا سید یعقوب**

**آقا سید یعقوب - موافق**

**جمعی از نمایندگان -** مذاکرات کافی است .

**رئیس -** رأی می گیریم بماده شانزده بابتدیل هفت گز و نیم به هشت گز آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

**رئیس -** تصویب شده ماده هفده (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۷ دولت ایران برای تسهیل اجرای مواد این امتیازنامه با صاحب امتیاز مساعدت خواهد کرد

**رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)**

دکتر آقایان - بنده تصور میکنم دولت ایران در اینجا لزومی نداشته باشد در ایران غیر از دولت ایران دولت دیگری وجود خارجی ندارد و بنا بر این این کلمه ایران معنائی ندارد وزیر فواید عامه - راست است کلمه ایران باید حذف شود فقط مخبر - بنده هم قبول میکنم که بعد از دولت کلمه ایران حذف شود **رئیس -** رأی گرفته میشود بماده بنا حذف کلمه ایران که آقای مخبر قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شده ماده هیجده (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۸ صاحب امتیاز مجاز است برای حسن جریان امور راه بندر جز شهر دامغان و استرآباد تلفنی دایر نماید مشروط خواهد بود .

براینکه این تلفن منحصر بمخابرات خصوصی اداره راه بوده و از قبول مخابرات عمومی اکیداً ممنوع باشد و مسلم است که در مواقع فوق العاده دولت حق خواهد داشت از این تلفن استفاده نماید

**رئیس - آقای رهنما**

**رهنما - موافق**

**رئیس - آقای دادگر**

دادگر - عرض کنم چون این راه متعلق است بیندر جز و دامغان و استرآباد و قره سو و اشرف و لازم است که اگر تلفنی داشته باشد از تمام راهها باشد ولی این جا قره سو و اشرف افتاده است و باید اضافه شود

مخبر - قبول میکنم قره سو و اشرف هم اضافه شود

دامغان - بنده هم همان عرضی را داشتم که آقای دادگر اظهار فرمودند .

**رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)**

دکتر آقایان - در این ماده غدغن می میشود که صاحب امتیاز حق ندارد و مخابرات خصوصی را قبول کند . البته این از نقطه نظر این است که قیام بین این تلفن و تلفن که در آتیه دولت بیک صاحب امتیاز دیگر می دهد تولید شود بنده با این تکیه اش موافق ولی اگر بین راه یک جایی باشند که بیست فرسخ فاصله داشته باشد از فرسخ هفتم من می خواهم با فرسخ پانزده هم مغایره نمایم کرفع احتیاج بشود بنده تصور میکنم در اینجا بیچ وجه ضرری نه متوجه دولت میشود و نه بصاحب امتیاز دیگر بلکه رفع احتیاج مردم میشود و ضمناً صاحب امتیاز می تواند یک حق مختصری دریافت نماید .

مخبر - اولاً مادر این امتیازی که نوشته ایم باید رعایت امتیاز نفی راهم که سابق داده ایم بکنیم ثانیاً امروز آقا ملاحظه نفرمایند شاید سال دیگر دولت خواست در آنجا یک تلفن و تلگرافی دایر کند

بنابر این در این قانون موجوده بالصاحب امتیاز میگوئیم این حق را که بتو میدهم فقط برای مخابرات راجع راه است و پس اگر بنا باشد اختلالی در این کار برای سایر کارها پیش بیاید قاعده کلی از میان می رود **رئیس -** رأی گرفته میشود بماده هیجده با اضافه قره سو و اشرف بعد از استرآباد آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس تصویب شده ماده نوزده (بترتیب ذیل خوانده شد)**

ماده ۱۹ کلیه آلات و ادواتی که برای تسطیح و تعمیر راه برای صاحب امتیاز لازم است و تهیه آن در داخله مملکت غیر میسر باشد میس از تشخیص و تصدیق وزارت فواید عامه از حقوق گز و کی و رودی مانع خواهد بود .

**رئیس مخالفی ندارد .**

**جمعی از نمایندگان -** خیر

آقایان موافقین با ماده نوزده قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شده ماده بیست (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۰ هر گاه دولت بخواهد امتیاز احداث راه آهن بدهد که خط عبور آن از بندر جزبشهر دامغان و از بندر جزبشهر استرآباد و از بندر جزبقره سو و از بندر جزبشهر اشرف از روی خط شوسه باشد صاحب امتیاز با تساوی شرایط حق تقدم خواهد داشت و در صورتیکه مشارالیه آنرا بشرايط دیگر آن قبول ننماید امتیاز بشرکت یا شخص دیگری داده شود و یا خود دولت به این کار اقدام کند بطوری که راه آهن در روی شوسه مزبور قرار داده شود باید دولت یا صاحب امتیاز راه آهن موافقت خالص متوسط صاحب امتیاز را تا آخر مدت امتیاز سالیانه تأدیه نماید .

**رئیس - آقای رهنما (اجازه)**

رهنما - موافق

**رئیس - آقای طهرانى**

طهرانی - عرضی ندازم

**رئیس - آقای آقای قاسمید یعقوب**

آقا سید یعقوب موافق

**رئیس - آقای اتحاد انعام -** بنده یک اصلاح عبارتی دارم بنظر بنده بنده بعد از جمله روی خط شوسه باشد یک کلمه این لازم است که هر گاه دولت بخواهد امتیاز احداث راه آهن بدهد که خط عبور آن از بندر جزبشهر دامغان و از بندر جزبشهر استرآباد و از بندر جزبقره سو و از بندر جزبشهر اشرف از روی این خط شوسه باشد یک کلمه این قبل از خط شوسه لازم است

**رئیس - آقای رهنما**

رهنما - در این جا خط شوسه دیگری نیست و البته وقتی گفته میشود خط شوسه معلوم است مقصود خط شوسه ایست که دولت امتیازش را به این شخص داده است و هم تا بحال همچو امتیاز خط شوسه بکسی نداده است و البته در آتیه هم سعی خواهد کرد که امتیاز یک خط شوسه که اسباب ورشکستگی این شخص بشود بدیگری بدهد .

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

**رئیس -** مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

**رئیس -** رأی می گیریم بماده بیست آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

**رئیس -** تصویب شد .

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

رئیس پیشنهاد ختم جلسه شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

وزیر مالیه خاطر محترم آقایان مسیوق است که وزارت پست و تلگراف یک مخارج ضروری دارد که بعضی از آنها باید در مواقع معینی بشود از قبیل تهیه عتیق و جنس و این قبیل چیزها و چون البته مطالبه بودجه هم در کمیسیون و در مجلس شورای ملی يك مدتی وقت لازم خواهد داشت و ممکن است از این جهت يك ضررهائی متوجه پست و تلگراف بشود این است که يك ماده پیشنهاد مجلس شورای ملی میکنم که آن مخارج ضروره را تصویب فرمایند که در موقع پرداخت شود لایحه دیگری هم هست که راجع بوظیفه برای ورثه يك نفر مستخدم دولت است که آنهم تقدیم می شود .

**رئیس -** دستور جلسه یکشنبه .

**وزیر فواید عامه -** اجازه میفرمائید می خواستم استدعا کنم اگر ممکن است دو ماه کنترات متخصص جنگل را جزو دستور جلسه آتیه مقرر فرمایند

**رئیس -** دستور اول لایحه راجع بیندر جز بعد خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدم آلمانی بعد هم چون آقایان می دانند که در کمیسیون عدلیه يك قوانین لازمی است و دو نفر هم از اعضاء آن استعفا کرده اند که یکی آقای طباطبائی دیبا است و یکی هم آقای حاج شیخ عبدالرحمن

**آقا شیخ فرج الله -** آقای آشتیانی هم استعفا داده اند

**رئیس -** آقای آشتیانی هم استعفا کرده اند ؟ بسیار خوب سه نفر باید روز يك شنبه معین بشود .

رایرت شنبه (۶) راجع بنمایندگی آقای ایر حسین خان هم مطرح نواهم شد

**آقای بهار (اجازه)**

**بهار -** جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهادی تقدیم می کنند بمجلس مقدس راجع با اجازه طبع يك جلد فرهنگ از عربی بفارسی که در مطبعه مجلس چاپ شود مطابق موادی که ملاحظه می فرمائید .

**رئیس -** ارسال می شود بمکمیسیون جمعی از آقایان هم مطلبی نوشتند بعرض مجلس میرسد .

(بشرح ذیل قرائت شد)

نظر باینکه در موقع وضع مالیات جدید قند و جای و شکر بطوریکه در آخر ماده هفتم قانون مذکور هم تصریح شده است مقصود مان بوده که هر قسمت قند و جای و شکر آنچه از قند و شکر ساخته میشود مشخصاً تا قبل از روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۴ وارد هر يك از سرحدات ایران گردیده اعم از اینکه تا تاریخ مزبور گمرک شده

باشد یا نه از پرداخت مالیات مقررده معاف باشد و بموجب شکایات واصله مأمورین دولت در موقع اجراء برخلاف عمل کرده و اسباب زحمت تجار را فراهم نموده اند قند نمایند مأمورین بدون هیچ گونه تخلف مطابقاً اجرا کند .

کیخسرو و شاهرخ - رضا افشار - عراقی - سید حسن زعم - شکرالله قوام صدی - آشتیانی - عظیمی - تقی بهار - بهبهانی - حسن الحسینی - اسماعیل قشقائی - رضوی - ناصر ندارمانی - سلیمان محسن - مصطفی بهبهانی از مدلول قانون نباید تجاوز شود مدرس .

**رئیس -** آقای رضوی (اجازه)

**رضوی -** بنده این تقاضا را امضا کرده بودم ولی بعد کمال مک کرماک رفت و رفت و رفیع نکرانی تجار را کرد و تلگراف رضایتی هم از تجار رسید و از این جهت بنده امضاء خودم را پس میکنم

**رئیس -** لایحه راجع بکارخانه سانطونین سازی معلوم نشد بکدام کمیسیون باید برود؟

**وزیر فواید عامه -** بکمیسیون فواید عامه

**رئیس -** بکمیسیون فواید عامه؟

**بعضی از نمایندگان -** بلی (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی**

**حسین پیرنیا**

**منشی -** شهاب

**مقشی -** دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه یکصد و هشتاد و ششم**

**صورت مشروح مجلس**

**یکشنبه هفتم تیر ماه ۱۳۰۴**

**مطابق ششم ذیحجه**

**سنه ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل و صورت مجلس سه شنبه دوم تیر ماه را آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

**رئیس -** آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - علی العجابه عرضی ندارم

**رئیس آقای دست غیب -** دست غیب بنده همچو شنیدم که آقای مساوات را باز غائب بی اجازه ثبت کرده اند بعضی از نمایندگان - با اجازه

دست غیب - نمیدانم شاید بر من مشتبه شده باشد ولی اگر غائب بی اجازه ثبت شده باشد بنده مخالفم .

آنروز هم که بنده مخالفت کردم برای این بود که آقای مساوات ناخوش است و اصلاً رأی در ناخوشی دادن غلط است و نباید در مجلس رأی گرفته شود .

**رئیس -** یک اجازه خواسته بودند بایه تجدید اجازه شود .